

شاهدی از دوزخ انسان کشی\* (بخش ۵)

سیدعطاءالله مهاجرانی  
نویسنده

هنوز روز به نیمه نرسیده بود که مدرسه کاملاً کنده از آوارگان شده بود. مردمی از هر گوشه و کنار غزه، مردمی که هر چه داشتند رها کرده بودند، خانه هایشان، اموالشان، زمین هایشان و تنها چیزی که می جستند، امنیت بود. مدرسه سرشار از هزاران قلبی بود که از بیم می لرزید، هزاران انسانی که در آینده ای گم و ناشناخته غرق شده بودند. پرسشی نگران کننده ذهن همه، بزرگ و کوچک، مردان و زنان را به خود مشغول کرده بود: سرنوشت ما به کجا می انجامد؟ چه بر سرمان خواهد آمد؟

همان روز اتومبیلی از سازمان امداد پناهندگان (اونرو) با تعدادی از ناظران به مدرسه آمدند و تأیید کردند مدرسه به عنوان پناهگاه تابع وزیر نظر آنهاست. با فرارسیدن غروب، گروه های مختلفی از مردم منطقه به سوی مدرسه سرازیر شدند و برایمان رختخواب و غذا آوردند و در لباس و وسایل خواب و غذا ما را شریک خود کردند.

نوع دوستی مطلق، خیرخواهی سخاوتمندانه، فداکاری عظیم... در واقع ما مردمی شایسته زندگی هستیم. شاعر ما محمود درویش راست گفت: «علی هذه الأرض ما يستحق الحياة»<sup>۱</sup> ما شایسته زندگی هستیم، ما عاشق زندگی هستیم، ما فرزندان زندگی هستیم.

آن صحنه در میان آن همه ویرانی، کورسوی امیدی بود، زندگی در متن مرگ، ما همانند ققنوس کوچکی بودیم که می خواهد به اندازه توانایی اش آثار برجای مانده آوار را از بالای سر خود کنار بزند.

ای کسی که این کلمات را می خوانی، چیزی بیاموز! و اکنون می نویسم و گریه می کنم، همین طور که سعی می کنم به یاد بیاورم چه اتفاقی برایم افتاده، می گریم، از زمانی که شروع به نوشتن کردم، یک سال و چهارماه می گذرد و همچنان رنج و دردم ادامه دارد، همچنان آوارام، همچنان در انتظار مرگم. چیزی که وادارم می کند تا دیر هنگام شب بیدار بمانم، ترس من از خوابیدن، ترس من از واقعیت دردناکم است...

بریز زلزله ام روی دو زانویم در خیمه ام نشسته ام. افراد خانواده ام اطرافم هستند. هر کلمه ای که می نویسم چه بسا آخرین کلمه ای باشد که می نویسم، به مباران بدون وقفه ادامه دارد، مرگ منتها ندارد، نزد ما در غزه به غیر از مرگ چیزی پیدا نخواهی کرد. این فصل را در همین جاتمام می کنم، اسم آن رانخستین سفر آوارگی یا از شمال دره به جنوب آن می گذارم، نام چندان اهمیتی ندارد، در حقیقت هر آنچه نوشتم ارزشی ندارد، اگر می خواهی حقیقت را دقیق تر بیاری بگویم، ما اهمیتی نداریم، در چشم این جهان آکنده از ستم، ما بی ارزشیم. ادامه در صفحه ۸

برای مردم میهمان

مصطفی شوقی  
مستندساز

هنوز زنده بود؛ از نظر من البته زنده است و میهمان خانه های غزه. هنوز ۷ اکتبر نشده بود آن روزها مردم بیت المقدس صدایش می زدند و از او می خواستند موشک نریزد. تازه سیف القدس به پایان رسیده بود و صدایی در صحن مسجد الاقصی او را شمیر برنده فلسطین می نامید. با رفیقی که رفیق خوب خداست گپ می زدیم و از آرزوهایم درباره ساخت مستندی در غزه می گفتیم. صحبت به یکباره رفت روی «او»، رفیق ما چندین فیلم و عکس فرستاد و ترغیب کرد که روی سوره زندگی اش کار کنیم، چه پیشنهاد جذابی! هنوز غبار جنگ سیف القدس وجود داشت و خانه های شیخ جراح غصب نشده بود که برایمان میهمان آمده بود... مستندش را می ساختم و چقدر شیرین و سخت بود. محسن فائزی را خیلی ها با نام فلسطین می شناسند. از دلستان آلمان قدس و پژوهشگری باحوصله و خوش خلق و بی ادعا و چه کسی بهتر از او در دانستن برومترین شخصیت همه سال های مبارزه با دشمن کسی که نه عکسی دارد و نه چهره ای. هیچ کس حتی تعقیب کنندگان که بنا بر قوای ۹ بار او را تیر کردند نیز در شناخت او به روز نبودند. البته محسن فائزی هم در میان مشهودات به دنبالش می گشت و همین نیز در منابع اندک صورت می گرفت؛ اما سازنده بود. در فاز بعدی باعمار یاسر، فیلمساز هنرمند فلسطینی ساکن ترکیه سخن گفتیم. سوره را که برایش تعریف کردیم جا خورد، از سختی هایش گفت و اینکه در شرایط سخت امنیتی غزه و فلسطین در جست و جوی مرد همیشه میهمان، سخت است و حتی نابجا. گفت نابجا؟! گفت بله، مرسوم نیست اجرا اصلاً می خواهید او را بشناسید! او که در گمنامی خودش، آشکارترین انسان فلسطینی است برای ساکنان غزه. شاید از کنارتان رد شوند و او را نشناسند، شاید میهمان سفر هایشان شود. شاید... بحث بیهوده ای نبود، هر کلامش اشتیاق را در دل های ما بیشتر می کرد. قلم شعله ور شده بود... عمار یاسر که اسمش تورا به یاد صحابه و یار محمد (ص) و مولانا علی علیه السلام می اندازد؛ بالاخره راضی شد در باریکه غزه، جایی که «او» به دنیا آمده کار را با تیم فلسطینی شروع کند.

ادامه در صفحه ۸

# فرهنگتار

شماره ۴۵۶۲  
۸ صفحه  
۱۰۰۰۰ تومان

پنجشنبه  
۲۹ آبان ۱۴۰۴  
۲۹ جمادی الاول ۱۴۴۷  
۲۰ نوامبر ۲۰۲۵

## بمباران در دوحه فروش سلاح در کاخ سفید

ترامپ با قراردادان  
سعودی و کشورهای عربی  
در موقعیت معمای امنیت  
۱۰۰۰ میلیاردیگر  
از بن سلمان طلب کرد

## بازی روانی هماهنگ عون، ترامپ و بن سلمان

پروژه شرطی سازی افکار عمومی ایران ادامه دارد ۲

حسین شهرستانی، در برنامه «ایده» از میراث سترگ فردوسی برای اکنون ایران گفت



اسکن کنید

## شاهنامه؛ مانیفست ایده ایران

آپارات چقدر پول می دهد؟ چقدر از تبلیغات در می آورد؟

## اقتصاد یوتیوب ایرانی در اتاق شیشه ای

بررسی ها حکایت از افت تراز یک متری آب دریاچه دارد

## خزر آب می رود

## آزاد اندیشی؛ نجات دهنده دانشگاه از سکون

دکتر زنجیر در اختتامیه پنجمین رویداد سراسری قایت های دانشجویی کرسی های آزاداندیشی در دانشگاه آزاد مطرح کرد

